

Civilizational dimensions of the Islamic resistance of the Islamic Republic of Iran

Alinaqi Lezgi *

Received on: 02/05/2023

Hadi Ghiyasi Fathabadi **

Accepted on: 15/10/2023

Abstract

Purpose: The purpose of this research is the civilizational analysis of the Islamic resistance of the Islamic Republic of Iran. This research aims to answer the question, what are the civilizational dimensions of Islamic resistance in the Islamic Republic of Iran? In contemporary jihad, resistance is a transnational idea to advance the goals of nations. The purpose of resistance is to reach the point of inhibition. Both in the economy, in the country's political issues, in social issues, and in the military issues. The discourse of Islamic resistance is one of the discourses produced by the Islamic Revolution, which can be examined in various political, economic, cultural, defense and security dimensions. taken and its specific concepts should be explained using the pure Muhammadan Islam as its central signifier. Civilization dimension is one of the important aspects of resistance in Islam. This article examines the coordinates of the resistance of the Islamic Republic of Iran at the level of modern Islamic civilization. In fact, in addition to the goals and vision set for the Islamic revolution of Iran, which is a new Islamic civilization, the strategy that the revolution has chosen to confront the enemies and remove the obstacles in front of it also shows the civilizational nature of the movement of the Islamic revolution of Iran. The problem of this research is what and the analysis of the civilizational dimensions of the Islamic resistance of the Islamic Republic of Iran. In this regard, after defining the concepts of resistance and civilization, the civilizational dimensions of the Islamic resistance of the Islamic Republic of

* Assistant Professor of the theology department of Imam Ali Official University (AS), Tehran, Iran.

a.lezgi@yahoo.com

 0009-0007-9459-8283

** Ph.D. student, Department of Culture and Communication, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Hadi.ghiasi@gmail.com

 0000-0001-6058-9118



Iran are examined. The main distinguishing feature of this research is the qualitative comparison of resistance and civilization in the Islamic Republic of Iran, which is based on a modern analysis of civilization and a detailed examination of various dimensions of Islamic resistance in the Islamic Republic of Iran.

Methodology: In this research, the research problem has been answered with a descriptive and analytical approach. "Descriptive research describes what is and pays attention to existing conditions or relationships, current processes, visible effects and developing trends.

Findings: This article has examined the coordinates of the resistance of the Islamic Republic of Iran at the level of modern Islamic civilization. Based on the findings of the research and based on the analysis of resistance and civilization presented, "Fundamentals", "Dynamics", "Cohesion" and "Meaning" are the four main components that can be used to formulate the civilizational aspects of the Islamic resistance of the Islamic Republic.

Conclusion: As a social school, Islam has a civilizational capacity and responds to human social needs at all levels. Therefore, the resistance that is formed based on Islamic principles also has civilizational coordinates. This makes it necessary to pay attention to the social dimension of Islam and create a background for the realization of the civilizational issues of Islam in the context of globalization and the domination of the West over various dimensions of human life in the contemporary world. In this regard, the frequent keyword of resistance, which finds meaning and meaning in the face of domination, is one of the key concepts that Ayatollah Khamenei, taken from the macro discourse of the Islamic Revolution, has emphasized many times in his statements. One of the most important strategies for deepening and consolidating the discourse of resistance among anti-dominion countries is to promote this theory that can be the cause of resistance against the domination system not only in Iran, but also in the territory of all the free nations of the world. The successful experiences of the Islamic Republic of Iran in recent decades in confronting the domination of global arrogance, as well as the success of the resistance front in the fight against ISIS, as well as the widespread popular role in the resistance fronts, including the presence of millions of Iranians and other nations in the funeral of Hajj Qassem Soleimani as The leader of the resistance clearly expresses the basic point that the Islamic resistance of the Islamic Republic of Iran is supposed to play an important role in the construction of modern Islamic civilization.

Keyword: Resistance, civilization, Islamic Republic of Iran, Islamic resistance, New Islamic civilization.

ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

علینقی لزگی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

هادی غیائی فتح‌آبادی **

چکیده

انقلاب اسلامی ایران صیوروتی اجتماعی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است. از همان ابتدای انقلاب تا کنون، دشمنان، موانع متعددی را پیش روی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی قرار داده‌اند. مقاومت در معنای عام آن به عزم و تلاش جهت رفع موانع پیش روی یک حرکت دلالت دارد. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنانش، مقاومت اسلامی است. مقاومتی که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی دلالت‌های متفاوتی دارد. تمدن، بزرگ‌ترین واحد تحلیل زندگی اجتماعی بشر است و بعد تمدنی گسترده‌ترین سطح تحلیل مقاومت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بر این اساس، این پژوهش بر آن است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، چستی و تحلیل ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش، مبانی، معنا، انسجام و پویایی از مهم‌ترین ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. مقاومت به مثابه‌ی امری الهی، بر اساس اعتماد به تحقق وعده‌ی الهی و عدم پذیرش نظام سلطه به وجود می‌آید و استقلال و خودباوری ملت ایران را تقویت می‌کند. اشاعه معنا در بافت اجتماعی زندگی مردم ایران از طریق ارتباطات معنایی با مفاهیمی چون شهادت، ایثار و جهاد، بعد معنابخشی مقاومت اسلامی ایران را تشکیل داده و سبب گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

کلمات کلیدی: مقاومت، تمدن، جمهوری اسلامی ایران، مقاومت اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

* استادیار گروه معارف و الهیات دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

0009-0007-9459-8283

a.lezgi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری، رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق ع، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

0000-0001-6058-9118

Hadi.ghiasi@gmail.com



بیان مسئله

در جهان معاصر، مقاومت، اندیشه‌ای فراملیتی جهت پیشبرد اهداف ملت‌هاست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه معتقد است که «فقط با ایستادگی و مقاومت است که یک ملت می‌تواند روی پای خود بایستد، حق انسانی خود را به‌دست آور و زندگی افتخارآمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است، کسب کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹).

در اندیشه‌ی اسلام ناب محمدی، مقاومت سرشتی بین‌المللی و جهانی و انسانی دارد و مقاومت کردن وظیفه‌ی هر انسان آزاده و باوجدانی است (لک زایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸). هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه‌ی بازدارندگی، هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه‌ی زمینه‌ها منصرف کند؛ دشمن ببیند فایده‌ای ندارد و با ملت ایران نمی‌تواند کاری بکند. ما امروز در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی رسیده‌ایم. این هم که می‌بینید روی مسئله‌ی موشک و مانند این حرف‌ها اصرار می‌کنند، به خاطر همین است؛ می‌دانند که ما به بازدارندگی رسیده‌ایم، به نقطه‌ی تثبیت رسیده‌ایم، می‌خواهند کشور را از این محروم کنند، و البته هرگز نخواهند توانست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۹۸/۳/۱۴). در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، مقاومت امری یک‌بعدی و محدود به جنبه‌ی دفاعی و نظامی نیست بلکه ابعاد دیگر از جمله فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد (مهدی پور، ۱۳۹۸، ص ۵۶۴).

راهبرد مقاومت به همراه عناصر اصلی آن یعنی سه متغیر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک گفتمان از ابتدای دهه‌ی ۸۰ شروع به نضج و شناورسازی و در دهه‌ی نود شمسی به صورتی قوام‌یافته و نهادینه‌شده به سطوح اجرایی تعمیم یافت (فرجی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۸۶). گفتمان مقاومت اسلامی، یکی از گفتمان‌های تولیدشده انقلاب اسلامی است که می‌تواند در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم خاص آن با بهره‌گیری از اسلام ناب محمدی به‌عنوان دال مرکزی آن تبیین گردد (صالح اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۲).

بعد تمدنی، یکی از ابعاد مهم مقاومت در اسلام است. «مقاومت در اسلام با رویکرد اجتماعی،

نظام‌مند و بر توحید، عدالت و فطرت مبتنی است. امر به مقاومت در تعیین اصول و استراتژی و وضع قوانین، بر حاکمیت مطلق خدا بر انسان و نفی طاغوت، تشکیل حکومت و اقامه عدالت و قسط مبتنی است. عدالت و مبارزه با ظلم و ستم، اصلاح و آبادانی زمین، پیشرفت علمی، تولید و خودکفایی و ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی که مقام رهبری از آن به «اقتصاد مقاومتی» تعبیر نموده‌اند، جلوه‌هایی از استراتژی مقاومت در اسلام محسوب می‌شوند. هدف از مقاومت با رویکرد اجتماعی، بروز ظرفیت‌های جهان‌شمول اسلام در گسترش حاکمیت الهی، تأمین سعادت و امنیت همه‌جانبه، بروز استعدادهای فطری انسانی، حفظ آزادی، کرامت و حقوق انسان، رفع اختلاف و تشکیل امت واحده اسلامی است» (زاهدی تیر و ناجی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۳).

این نوشتار، مختصات مقاومت جمهوری اسلامی ایران را در تراز تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع علاوه بر اهداف و چشم‌انداز تعیین شده برای انقلاب اسلامی ایران که تمدن نوین اسلامی است، راهبردی که انقلاب جهت مقابله با دشمنان و رفع موانع پیش روی خود انتخاب کرده است نیز نشان از تمدنی بودن حرکت انقلاب اسلامی ایران دارد. مساله این پژوهش چیستی و تحلیل ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا پس از تعریف مفاهیم مقاومت و تمدن، ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

گرچه با بررسی صورت گرفته، پژوهش مستقلی در خصوص ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران مشاهده نشد؛ لکن برخی کتب، رساله‌ها یا پایان‌نامه‌ها و مقالات وجود دارد که از جهت کلیدواژه‌ی «مقاومت» و رویکرد اسلامی با پژوهش حاضر همسو است. در زیر به برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

صلح میرزایی (۱۳۹۸)، در کتاب «اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» به ابعاد مختلف اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از مبانی و اصول تا الگوها و مثال‌های تاریخی در ۱۲ بخش می‌پردازد.

مهدیان (۱۳۹۹)، در کتاب «طرح کلی اندیشه مقاومت» به طرح و بررسی اندیشه مقاومت در اندیشه‌های حضرت امام و مفسر و تفصیل دهنده این مکتب یعنی رهبر انقلاب می‌پردازد. این

کتاب به تبیین مساله پیشرفت انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته می‌پردازد، اما این بررسی یک کاوش آماری و بر اساس ارقام و اعداد نیست. کتاب تلاش می‌کند با توجه به مبانی و منظومه فکری حضرت امام و رهبر انقلاب و با توجه به تراش حکمی و عرفانی که شالوده فکری حضرت امام را شکل می‌دهد، مساله پیشرفت انقلاب اسلامی را تبیین و اثبات کند. بر اساس این تحلیل، اصلی‌ترین راهبرد مقطع کنونی انقلاب هم، اندیشه مقاومت دانسته شده است. مقاومتی که ناظر به حفظ حقیقت انقلاب اسلامی توسط امت معنا پیدا می‌کند.

افتخاری (۱۳۹۹)، در کتاب «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو» صورت‌بندی منسجمی از مفهوم مقاومت در اسلام ارائه می‌دهد. از آنجاکه موضوع مقاومت، از جمله مفاهیم مرتبطی است که می‌تواند وجوه متعددی از ملاحظات امنیتی را در سطوح سلبی و ایجابی به نمایش بگذارد. به همین دلیل، در این پژوهش، نخست مقاومت از منظر تحلیلی به بسط گذارده شده و سپس، تلاش گردیده تا نظام معنایی و ساختار نظری آن متناسب با مبانی اسلامی طراحی و ارائه گردد.

قادری کنگاوری (۱۳۹۲)، در مقاله «نظریه‌ی مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه» نظریه‌ی مقاومت را به‌عنوان یک نظریه‌ی رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی (ص) و باهدف غرب‌زدگی‌زدایی از نظام بین‌الملل نظریه‌پردازی می‌کند. این مقاله که بیانگر روایت دیگری از متن سیاست و روابط بین‌الملل مبتنی بر تزویر و معیارهای دوگانه است، برای اولین بار ابتکار «جایزه‌ی سالانه‌ی صلح مقاومت» در قالب اولین نظریه‌ی کاملاً بومی با رویکرد ایرانی-اسلامی را بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت نظام اسلامی و «دکترین تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» مورد تأیید و تأکید رهبر معظم انقلاب، اعلام می‌کند.

مهدی پور (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» به بررسی چستی مفهوم مقاومت، ابعاد، زمینه‌ها، پیامد و چشم‌انداز مقاومت و ارائه مدل مفهومی آن در اندیشه مقام معظم رهبری به‌عنوان مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در پیشرفت جامعه اسلامی و غلبه بر چالش‌های ناشی از قدرت‌طلبی نظام سلطه می‌پردازد.

هاتفی و رضوی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ی «ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه در دولت اسلامی با تأکید بر الگوی تراز ارزشی در فرهنگ دفاع مقدس» به تعمیم مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس

به‌عنوان خطوط راهنما برای تبیین ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه در دولت اسلامی پرداخته‌اند. ادعای مقاله‌ی حاضر، الگو قراردادن مدل حاصل از جنگ تحمیلی برای دوران حاضر است. مقاله به شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس و تبیین تراز ارزشی آن به‌عنوان ارزش‌های محوری می‌پردازد. روش تحقیق از نوع تحلیل توصیفی و روش گردآوری اطلاعات از نوع مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و مصاحبه می‌باشد. نتیجه‌ی تحقیق حاکی از آن است که ده مؤلفه‌ی اصلی زیربنای فرهنگ دفاع مقدس را می‌توان تفکر اسلامی و ربانیت، ایمان و معنویت، ایثار و روحیه‌ی جهادی، مدیریت و فرماندهی، تکیه بر مردم و جوان‌گرایی، هدایت رهبری، وحدت و کار تیمی، خلاقیت و ابتکار، مهندسی و مدیریت علمی و مقاومت و ایستادگی دانست.

قاسمی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ی «شناسایی شاخص‌های مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی» به احصاء و شناخت شاخص‌های مقاومت و سنجش میزان تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی پرداخته است. این مقاله هرچند در فهم مقاومت اسلامی از روش کیفی استفاده کرده است اما در نسبت یابی مقاومت اسلامی و تمدن نوین اسلامی از روش کمی و فنون آماری ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون رگرسیون خطی ساده (دومتغیره) و آزمون رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام استفاده کرده است. بر اساس یافته‌های کیفی، شاخص‌های مقاومت اسلامی، در چهار بعد اسلام سیاسی، انسجام اسلامی، حکمرانی اسلامی و دفاع مردم پایه شناسایی گردیده و میزان تأثیر هر یک بر تمدن سازی در بخش تجزیه و تحلیل کمی مشخص شده است.

زاهدی تیر (۱۳۹۸)، در رساله‌ی «نظام مقاومت در قرآن با رویکرد اجتماعی» بر اساس اندیشه اجتماعی مفسران و محققان معاصر از جمله امام خمینی، شهید محمدباقر صدر، شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله خامنه‌ای ابتدا مفهوم لغوی و تفسیری مقاومت را تبیین کرده و سپس نظام حاکم بر مقاومت و جایگاه و روابط عناصر تشکیل‌دهنده آن اعم از مبانی، اصول و هدف مشخص و مفهوم مقاومت مدنظر قرآن را در قالب یک نظام توسعه داده است.

همان‌طور که از عناوین فوق روشن است، پژوهشی که به نسبت یابی کیفی مفهوم مقاومت و تمدن پرداخته باشد وجود ندارد و پژوهش‌هایی هم که به مقاومت پرداخته‌اند بیشتر ناظر به اصل مقاومت در اسلام در اندیشه یک متفکر مسلمان است. یک پژوهش به بعد اجتماعی مقاومت پرداخته است که آن‌هم نگاهی کلی به موضوع دارد و اهمیتی به بُعد تمدنی آن نداشته است.

پژوهشی هم به رابطه مقاومت و تمدن نوین اسلامی پرداخته است که در نسبت یابی مقاومت و تمدن نوین اسلامی از روش کمی استفاده کرده است. بنابراین وجه تمایز اصلی این پژوهش نسبت یابی کیفی مقاومت و تمدن در جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس تحلیلی نوین از تمدن و بررسی دقیق ابعاد مختلف مقاومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱. مقاومت اسلامی

«مقاومت» از ریشه‌ی قوام یا قیام در لغت به معنای به پاخاستن، برخاستن، پایدار ماندن، دوام و ثبات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۹۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳۴، ص ۲۱۳۰۲). این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. از کاربردهای واژه مقاومت در فرهنگ‌های لغت چنین برمی‌آید که به رویارویی در میدان جنگ محدود نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود. خواه این عامل درونی باشد، مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

واژه‌ی مقاومت به‌صراحت در قرآن نیامده است. در واقع مقاومت واژه‌ای بومی‌سازی شده است که ریشه قرآنی دارد. قرآن وقتی می‌خواهد در مباحث گوناگون معانی که دلالت بر مقاومت دارند را تبیین کند، از واژه‌های استقامت، (هود/ ۱۱۲) صبر (بقره/ ۴۵) و ثابت‌قدمی (بقره/ ۲۵۰؛ انفال/ ۴۵) استفاده می‌کند. استقامت: خویش‌داری و حب نفس بر چیزی که عقل و دین تقاضا می‌کند و از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۵۵).

بنابراین مقاومت، به معنای ثابت‌قدمی، ایستادگی، تسلیم خواسته‌های دشمنان نشدن و کوشش در راستای تحقق به اراده خویش‌داری، مفهوم پرامنه‌ای است که در طول تاریخ جبهه حق و باطل وجود داشته است. زمانی که این مقاومت، بر اساس مبانی اسلامی شکل می‌گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت. «محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی (به عربی: الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو

بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح شد، عنوان شد و در آن عنوان شده بود که کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آنها با عنوان «محور شرارت» نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل ایالات متحده آمریکا و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شود» (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲). «هدف اصلی محور مقاومت مقابله با سلطه‌گری آمریکا بر سایر کشورها، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و مخالفت با سیاست‌های برخی رژیم‌های محافظه‌کار عرب منطقه از جمله عربستان سعودی می‌باشد (Mohns and Bank, 2012, p 1).

از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین راهبرد جهت رفع موانع پیش روی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی ایران، مقاومت اسلامی است. ایشان معتقد است «تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دست‌پاچه کرده که به حرف‌های یاوه متوسل می‌شوند، به کارهای غلط متوسل می‌شوند، ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴).

الگوی مقاومت اسلامی از منظر رهبری را می‌توان با شش مقوله ارکان، مبانی و جهت‌سازها، عوامل پیش‌برنده، موانع و چالش‌ها، اهداف و پیامدهای مقاومت مورد بررسی قرار داد (صالح اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹). ارکان شامل رهبران، دولت‌ها، ملت‌ها، وحدت و فرهنگ مقاومت است. مبانی و جهت‌سازها شامل مؤلفه‌های آرمان مقاومت، اندیشه مقاومت، مکتب مقاومت، اصول مقاومت، آموزه‌های دینی، سیاست‌های مقاومت، بصیرت و جهت‌گیری‌های مقاومت می‌باشد. عوامل پیش‌برنده شامل توان و آمادگی نظامی، استحکام ساخت درونی، مردم‌سالاری دینی، طرح‌ریزی و اشراف اطلاعاتی است. موانع و چالش‌های مقاومت شامل مؤلفه‌های نفوذ، نفاق، نابسامانی داخلی، استبداد، استکبار، تهدیدات، نحله‌ها فکر، تهاجم نظامی دشمن، تنش‌های منطقه‌ای، منازعات فرقه‌ای، تضعیف ساخت درونی، مناسبات بین‌المللی، استعمار و اباحه‌گری می‌باشد. اهداف مقاومت شامل مؤلفه‌های رهبری‌سازی، ملت‌سازی، دولت‌سازی، فرهنگ‌سازی، بسیج مردمی و استکبارستیزی است. پیامدهای مقاومت شامل مؤلفه‌های الهام بخشی مقاومت، استقلال و آزادی و عزت دولت‌ها و ملت‌های جبهه مقاومت، وحدت دفاعی امنیتی جبهه مقاومت، اعتمادسازی و بازدارندگی، کاهش حضور نظامی استکبار در کشورهای محور مقاومت، شکست دشمن، پیشرفت اسلامی و پیروزی می‌باشد.

ابعاد و مؤلفه‌های این الگو، به صورت فرایندی به شرح زیر قابلیت اجرایی دارد: با محوری رهبران، دولت‌ها، ملت‌ها، وحدت، اندیشه و فرهنگ مقاومت و با اتکا به آرمان و مکتب اسلام ناب محمدی و ضمن بهره‌گیری از عوامل پیش برنده و ملاحظه موانع و چالش‌های محیطی، دستیابی به استقلال و عزت دولت‌ها و ملت‌های جبهه مقاومت، اعتمادسازی، بازدارندگی و کاهش حضور نظامی استکبار در کشورهای محور مقاومت و سرانجام پیروزی مقاومت را تسهیل نماید (صالح اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۲).

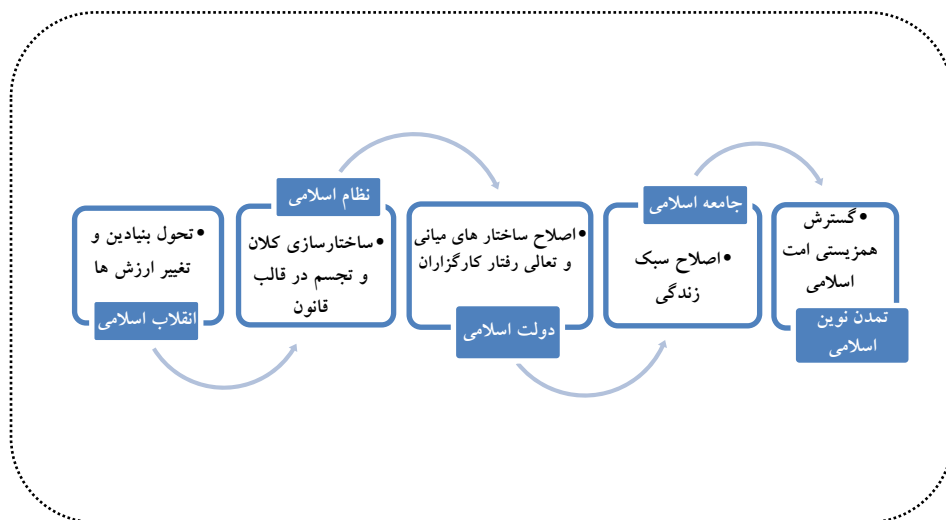
۲-۲. تمدن نوین اسلامی

تمدن در لغت به معنای تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۹)، شهرنشین شدن و همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳) است. تمدن معادل واژه civilization به معنای شهر و شهروندی در زبانهای فرانسه و انگلیسی است، این لفظ که از کلمه عربی مدینه (شهر) گرفته شده، معادل رایج آن در عربی الحضاره (از ریشه حضور و تجمع) است (میرصادقی، ۱۳۹۰).

اهالی علوم دقیقه می‌گویند هر چه بر «بعد» افزوده شود درک آن نیز دشوارتر می‌شود. به گونه‌ای که ذهن مرکب باید جایگزین نوع بسیطش شود. می‌گویند تصور بیش از «سه بعد» در اجسام ممکن است اما به‌غایت دشوار. به گمانم برخی واژگان هم از همین جنس هستند و از سه بعد هم، گذشته‌اند. واژه چندبعدی‌ای چون تمدن یکی از آنهاست. به‌قدری تعاریف متکثر و مقوله‌بندی‌های متعددی از ابعاد مختلف در مورد تمدن ارائه شده که گاه به نظر می‌رسد بیش از آنکه باعث زدودن ابهام شود بر ابهام افزوده شده است. افزون بر این، برخی واژه تمدن را مترادف با واژه فرهنگ گرفته‌اند. واژه‌ای که خود به‌مراتب داستانی مغشوش‌تر از تمدن دارد (اباذری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲).

مطالعات تمدنی در جهان غرب پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا کرد. «از دهه ۱۹۶۰ علاقه جدید به تحلیل تمدنی، به‌ویژه با آثار علمی نوربرت الیاس (۱۹۷۷)، بنجامین نلسون (۱۹۸۱) و آیزنشتات (۲۰۰۰)، بوجود آمد. این مباحث در زمینه تغییر ژئوپلیتیکی از تمدن‌های غربی به غیر غربی و بحث‌های مربوط به مدرنیته ترکیبی در یک زمینه برجسته در جامعه‌شناسی بین‌المللی و جهانی توسعه یافته است» (Willfried Spohn. 2011, p 24). برخی تمدن را به معنای گسترش

عقلانیت (وبر، ۱۳۸۴)، برخی تمدن را مترادف با کنترل نفس و سرکوب غرایز دانسته‌اند (فروید، ۱۳۸۲، الیاس، ۲۰۰۰، مارکوزه، ۱۳۸۲)، در مقابل برخی سلطه و طبیعت و روابط انسانی و به عبارتی رشد اقتصادی و اجتماعی را به تمدن نسبت داده‌اند (مارکس، ۱۳۸۸). «برخی ویژگی‌های تمدن عبارت‌اند از: خاستگاه عقلانی، نظام‌های اجتماعی، این جهانی بودن، هماهنگی و همسویی، هویت و پویایی تمدن» (میر محمدی و بارانی، ۱۳۹۱، ص ۷). با بررسی تعاریف مختلف از تمدن در مجموع می‌توان گفت «تحقق یک تمدن مستلزم وجود عقلانیتی است که مبانی فکری برای نظام سازی در یک منطقه جغرافیایی را تأمین نماید تا با یکپارچگی، پویایی، عینیت و بسط تاریخی آن نظام‌های اجتماعی و همچنین با تولید، اشاعه و تعمیق معانی در بعد مردمی، هویت تمدن به معنای کامل خود فرصت بروز و ظهور پیدا کند» (بشیر، ۱۴۰۰، ص ۴). «مؤلفه‌های مفهومی عقلانیت و مبانی فکری، نظام‌های اجتماعی، یکپارچگی، عینیت و پویایی آن‌ها، بسط تاریخی و جغرافیایی و هویت و تصویر معنایی تمدن، تصویر نسبتاً کاملی از تمدن بر اساس مبانی بومی ارائه می‌دهند» (امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷). بنابراین در نگاهی کلی تر ۴ مفهوم «مبانی»، «پویایی»، «انسجام» و «معنا» می‌توانند به‌عنوان ۴ مؤلفه که تصویر روشنی از ابعاد تمدنی پدیده‌ها ارائه می‌دهند به حساب آیند. این تصویر مطابق با تصویری است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای تمدن نوین اسلامی مطرح می‌کنند:



شکل ۱. مراحل صیورورت تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

۳. روش پژوهش

در این تحقیق به مساله پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی پاسخ داده شده است. «تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، فرآیندهای جاری، آثار مشهود و روندهای در حال گسترش توجه دارد (خاکی، ۱۳۹۰)».

۴. یافته‌های پژوهش

این نوشتار مختصات مقاومت جمهوری اسلامی ایران را در تراز تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌های پژوهش و مبتنی بر تحلیلی که از مقاومت و تمدن ارائه شد، «مبانی»، «پویایی»، «انسجام» و «معنا» چهار مؤلفه اصلی هستند که با استفاده از آن‌ها ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی قابل صورت‌بندی است.

۴-۱. مقاومت و مبانی

۴-۱-۱. مقاومت: امری الهی

یکی از مبانی مقاومت، دستور خداوند به استقامت است. مسلمانان مبنای عمل خود را دستورات الهی قرار داده و پشتوانه‌ی ایمانی خود را مبنای عمل قرار می‌دهند. یکی از دستورات خداوند به پیامبر اکرم و همراهان ایشان مقاومت و استقامت است: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ پس همان‌طور که فرمان یافته‌ای، پایداری کن و به همین‌گونه کسانی که به همراه تو به سوی خدا بازگشته‌اند (استقامت ورزند) و از طغیان و تجاوز بپرهیزید، چراکه خدا به آنچه می‌کنید بصیر است» (هود/ ۱۱۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «شما اقلاد در هر نماز دوبار و هر روز اقلاد ده بار خدمت پروردگار عرض می‌کنید «اهدنا الصراط المستقیم» معمولاً انسان یکبار دعا می‌کند این که دائم صراط مستقیم را از خدا می‌خواهیم، همان استجابت «استقم کما امرت» است. استقامت بخصوص ماها که کارگزار و مسئولیم بارمان سنگین‌تر است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴). همچنین در راستای تبیین ارتباط مقاومت و تحقق اهداف اسلامی می‌فرماید: «راهی که خداوند

متعال و اسلام به ما می‌آموزد، این است: «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَا لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (شوری / ۱۵) راهی را که شناختید، با دقت پیش بروید، قدم‌ها را محکم و استوار بردارید و استقامت به خرج بدهید. اگر استقامت به خرج دادید، آن وقت به اهداف عالی اسلامی خواهید رسید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۷). امر خداوند به مقاومت و ایستادگی مسلمانان ناظر به تمام ساحات و سطوح زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها است و از این جهت دستوری تمدنی به حساب می‌آید و بر این اساس است که پیامبر اکرم و اصحاب ایشان و همچنین مسلمانان در طول تاریخ، برای رسیدن به اهداف اسلامی مقاومت و استقامت را سرلوحه خود قرار داده و جهت حفظ ارزش‌های مادی و معنوی خود و گسترش آن به اقصا نقاط جهان، تلاش و مقاومت کرده‌اند.

۴-۱-۲. اعتماد به تحقق وعده‌ی الهی به مثابه یک سنت الهی

فرد و جامعه‌ای که به اصل ایمان تمسک می‌جوید و مقاومت می‌نماید، در واقع این مقاومت خود را بر پایه محکم تحقق وعده‌های الهی استوار ساخته است و با حسن ظن به خدا به پیروزی در راه خدا می‌نگرد و هیچ شکی به خود راه نمی‌دهد. در بیان قرآن منافقان که با ویژگی‌هایی چون سست ایمانی و بیمار دلی وصف شده‌اند، به وعده‌های الهی سوءظن و گمان بد داشته و این‌گونه می‌گویند: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ و (به یاد آر) زمانی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری (ضعف ایمان) است می‌گفتند: خدا و رسولش به ما جز وعده‌ای فریبنده نداده‌اند» (احزاب / ۱۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه ارتباط مقاومت و اعتماد به وعده الهی معتقد است: «مقاومت هم جز در سایه اعتماد به وعده الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تأکید فرموده است: «و لينصرن الله من ينصره» (حج / ۴۰) با تأکید، وعده نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم به وعده الهی با چشم حسن ظن نگاه کنیم نه با سوءظن، پیروز خواهیم شد و سوءظن به وعده الهی مال کفار است: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوِّءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ» (فتح / ۶) این کسانی که به وعده الهی سوءظن دارند، معلوم است که از وعده الهی سود نخواهند برد. ملت ایران حسن ظن خود به وعده الهی را ثابت کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل

جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند. امروز این شجره طیبه - شجره طیبه جمهوری اسلامی و ملت ایران - شجره طیبه‌ای است که «أصلها ثابت» و «فروعها فی السماء» (ابراهیم / ۲۴) روزبه‌روز به فضل الهی پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعدازاین هم همین خواهد بود؛ و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴). بدون امید و ایمان هیچ حرکت چه در ساحت فردی و چه در ساحت جمعی به اهداف خود نخواهد رسید. در حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران، ایمان، سکوی مطمئن پرش و حرکت جامعه به سوی اهداف تمدنی است که یکی از متعلقات ایمان، اعتماد و ایمان به خداوند و وعده‌های او است. همچنین امید لازمه حرکت روبه‌جلو است و بدون امید و حسن ظن به وعده‌های الهی حرکتی جهت تحقق وعده‌ها صورت نخواهد پذیرفت.

۴-۱-۳. عدم پذیرش نظام سلطه

نظریه مقاومت به‌عنوان یک نظریه رهایی‌بخش در قالب مدل برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با هدف غرب‌زدگی زدایی از نظام بین‌الملل نظریه‌پردازی شده است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰). نفی سلطه و سلطه‌ستیزی، محور اصلی اندیشه مقاومت است. این سلطه‌ستیزی در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد. «بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی فلسطین، جلوگیری از غارت منابع و ثروت کشورهای اسلامی، از جمله اهداف مشخص و عینی محور مقاومت است» (مبینی و قاسمی، ۱۳۹۸، ص ۶).

یکی از اصول مهم و محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه است که در قرآن به آن تصریح شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است.» (نساء / ۱۴۱) و در صورت اجرا شدن، راه هرگونه سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی و غیره دشمن را می‌بندد. در تفسیر المیزان آمده است: «معنایش [معنای این آیه] این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به‌عکس نمی‌شود و این خود

اعلامی است به منافقین که دیگر برای ابد از اینکه به هدف شوم خود برسند مأیوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره‌ها بالاخره فتح و پیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۸۹).

تمدن نوین اسلامی به معنای مسلط شدن مسلمانان بر سرنوشت زندگی اجتماعی خود در سطحی فراگیر است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این ارتباط می‌فرماید: «اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی، اجازه نمی‌دهد که یک ملت توانایی‌هایش سرکوب شود و استعدادهایش پایمال شود. اجازه نمی‌دهد که به خاطر بی‌اعتنایی به توانایی ذاتی او، به حالت تخدیر شده بیفتد و دیگران بر سرنوشت او مسلط شوند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰). بر طبق دیدگاه و فرمایشات رهبری در زمینه اندیشه مقاومت، جهت حرکت جامعه اسلامی باید ضد استکباری و ضد سلطه باشد. ایشان معتقدند که نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است. انقلاب که منطق اسلام است «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود» (بقره/ ۲۷۹). پذیرش نظام سلطه به معنای ذیل قدرت تمدن حاکم قرار گرفتن است. از منظر تمدنی، نظام سلطه از ملزومات تمدن جدید شکل گرفته در غرب است که در سراسر جهان کنونی فراگیر شده است و زمانی تحقق یک تمدن جدید امکان‌پذیر است که مؤلفه‌های تمدن حاکم را نفی کرده و دارای قدرتی جدید در خلق معنا و عینیت برای زندگی اجتماعی و سیاسی کشورها باشد.

۴-۱-۴. لزوم استقلال و خودباوری

یکی از مبانی مهم مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که متأثر از اندیشه قرآنی ایشان است، خودباوری و استقلال است. در این نگاه مقاومت باید باشد تا استقلال حاصل شود. اعتماد و ایمان به توانایی و ظرفیت درونی که بر مبنای توکل به خداوند حاصل می‌شود، خودباوری لازم جهت حرکت به سمت اهداف تمدنی را فراهم می‌سازد. قرآن کریم مسلمین را در صورت داشتن چنین ایمانی ثابت و استوار، فاتح و پیروز می‌شمارد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ شما مسلمانان نه در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناک باشید زیرا شما فاتح و پیروزمندترین مردم و بلندمرتبه‌ترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان خود ثابت و استوار باشید» (آل عمران/ ۱۳۹).

خداوند متعال، این جمله را مطلق آورد، و بالادست بودن مسلمانان را مقید به هیچ قیدی به جز ایمان نکرد تا بفهماند شما مسلمانان اگر ایمان داشته باشید نباید در عزم خود سست شوید، و نباید به خاطر اینکه بر دشمنان ظفر نیافته‌اید و نتوانسته‌اید از آنان انتقام بگیرید اندوهناک گردید، برای اینکه ایمان امری است که با علو شما قرین و توأم است، و به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود زیردست کفار واقع شوید، چون ایمان ملازم با تقوا و صبر است، و ملاک فتح و ظفر هم در همین دو است، و اما قرح و آسیب‌هایی که به شما رسیده، تنها به شما نرسیده بلکه طرف شما (مشرکین) هم این آسیب‌ها را دیده‌اند، و روی هم چیزی از شما جلوتر نیستند، تا باعث وهن و اندوه شما شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۹).

از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقاومت لازم خودباوری و استقلال و در نتیجه نصرت و پیروزی در مسیر رسیدن به اهداف است چرا که «خودباوری، شکوفایی استعدادها و دستیابی به استقلال را دربردارد و استقلال در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز متقابلاً باعث پیدایش روحیه خودباوری و عزت نفس می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱). ایشان، مقاومت در برابر ظلم و ستم و گرفتن حق را از عوامل خودباوری معرفی می‌کند. به عقیده ایشان، ملت‌های مسلمان در هر منطقه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸). و مقاومت از نشانه‌های این ایمان به شمار می‌آید.

از نگاه قرآن کریم نیز، خودباوران اهل مقاومت‌اند (فصلت / ۳۰) وقوع انقلاب اسلامی در ایران، پایانی بر وابستگی به غیر بود و همین قطع وابستگی شروع حرکت تمدنی انقلاب اسلامی بود؛ چرا که تحقق یک تمدن نوین و متمایز، حاصل بسط اجتماعی یک تفکر متمایز است و تا زمانی که استقلال این تفکر در ساحات مختلف متجلی نشود زمینه‌ی تحقق تمدن نوین فراهم نخواهد شد. در بین ساحات مختلف، بعد سیاسی دارای اولویت است و در جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، بدون ایجاد استقلال و خودباوری در ساحت سیاست، نمی‌توان سخن از تغییر ساختار و نظام اجتماعی جهت شروع حرکت تمدنی به میان آورد. از این جهت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقوله استقلال و خودباوری که لازمه مقابله با قدرت‌های مداخله‌گر و سلطه‌جو است را یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آورند. «استقلال به معنای قهرکردن با کشورها نیست،

بلکه به معنای مقابله با قدرت‌های مداخله‌گر و نفوذ کشورهاست که نتوانند منافع آن کشور و ملت را، تحت‌الشعاع منافع خودشان قرار دهند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۰).

۴-۲. مقاومت و پویایی

۴-۲-۱. مقاومت و خلاقیت تمدنی

تجربه چند دهه انقلاب اسلامی ایران نشان داده است که در دوران احاطه شدن یک حکومت و جامعه توسط قدرت‌های سلطه‌گر و بستن راه‌های ارتباطی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، مقاومت و تلاش آن جامعه جهت برون‌رفت از وضعیت تحریمی ایجادشده خلاقیت درونی آن‌ها را افزایش می‌دهد. نمونه بارز این حقیقت در دوران ۸ سال جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد و منجر به خودکفایی ایران در زمینه بسیاری از محصولات دفاعی و جنگی شد. تحریم یکی از ابزارهای دشمنان انقلاب اسلامی در چند دهه اخیر جهت ایجاد مانع در راه رسیدن انقلاب به اهداف متعالی بوده است. انقلاب اسلامی تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کرد و از آن در راستای افزایش خلاقیت و خودباوری استفاده کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه معتقد است: «قهر و ناهمدلی و کج‌تابی دنیای غرب با ما، به ضرر ما تمام نشد. بعضی‌ها این را به‌عنوان یک فاجعه در نظر می‌گیرند و می‌گویند تحریم اقتصادی پدر تکنولوژی ما را درمی‌آورد. بله، ممکن است جاده‌ی آسفالته را از جلوی انسان بگیرد، اما همیشه جاده‌ی آسفالته خوب نیست؛ گاهی هم جاده‌هایی که انسان به دست خودش کشیده و مسیرش را روی آن طی می‌کند، برای محکم کردن عضلات انسان خیلی مفیدتر است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۵). استقلال و آزادی و عزت دولت‌ها و ملت‌ها، اعتمادسازی و بازدارندگی در زمینه مسائل دفاعی-امنیتی، شکست و مأیوس شدن کشورهای سلطه‌گر، پیشرفت همه‌جانبه و پیروزی نهایی از پیامدهای پویایی حاصل از مقاومت اسلامی است.

۴-۲-۲. مقاومت و افزایش ارتباطات میان فرهنگی

مقاومت اسلامی یک مقاومت مردمی است و ارتباطات مردمی پایه قدرت مقاومت را تشکیل می‌دهد. در دنیای معاصر که دوران سلطه غرب بر کشورهاست، اتخاذ راهبرد مقاومت جهت مقابله

با خصومت‌های غرب باعث افزایش ارتباطات با کشورهای غیر غربی می‌شود و این امر باعث افزایش تعاملات و تبدلات فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر می‌گردد که در پیروزی ملت‌های مظلوم علیه جبهه استکبار نقش بسزایی دارد. اسلام در تعاملات مختلف کشورها در ساحت‌های مختلف، با تأکید بر زیربنا بودن فرهنگ در تحولات اجتماعی، اصالت را به ایجاد همدلی و وحدت در بین مردم با نژاد، رنگ، لهجه و... متفاوت می‌دهد و بر ارتباطات چهره به چهره و میان فرهنگی تأکید می‌کند. اساساً «عامل چسبندگی اجتماعی میان گروه‌ها و اقوام و افراد، تعارفی است که بین این گروه‌ها به وجود می‌آید و با شناخت یکدیگر و رسمیت بخشی به استعداد‌های انسانی همدیگر، گامی جمعی در جهت رفع نیازهای یکدیگر و حل معضلات کلان اجتماعی برداشته می‌شود و هویتی مشترک به وجود می‌آید. تعارف در حقیقت فلسفه و حکمت آفرینش تفاوت‌ها و کثرت‌های انسانی است تا بتوانند راهی به سوی معرفت و کمال نهایی پیدا بکنند. این تعارف صرفاً یک تعارف عرفانی با کارکردهای سلوکی صرف نیست، بلکه این تعارف، زندگی این جهانی در مقیاس تمدنی را متأثر می‌سازد و مناسبات کلان اجتماعی را اصلاح می‌کند و راه را به سوی تعامل معروف و تعاون در نیکی‌ها می‌گشاید. جامعه‌ای که در آن تعارف است، جامعه‌ای که در آن تعاملات انسانی بر اساسی معروف رخ می‌دهد و جامعه‌ای که در آن تعاون در نیکی‌ها وجود دارد، نه در ادبیات اسلامی بلکه حتی در ادبیات مدرن هم یک جامعه متمدن تلقی می‌شود و فرایند تمدنی در آن نیز سهل و آسان رخ می‌دهد» (بابایی، حبیب‌الله، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷). افزایش ارتباطات میان فرهنگی جامعه ایرانی با مردم منطقه در دوران پس از انقلاب اسلامی که مثال بارز آن در سال‌های اخیر در پیاده‌روی زیارت اربعین قابل‌مشاهده است، همبستگی بالایی با سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر راهبرد مقاومت دارد.

۴-۳. مقاومت و پیشرفت تمدنی

یکی از تأثیرات مقاومت در پویایی تاریخی و تمدن‌سازی، افزایش سرعت حرکت تمدنی جامعه اسلامی به سمت چشم‌انداز پیش روی آن است. این جهش حرکتی معمولاً در حیطه‌ی انتقال تمدنی صورت می‌پذیرد. حیطه‌ی انتقال تمدنی، یکی از دوره‌های تاریخی حرکت تمدن‌ها با ویژگی‌های خاص خود است. حیطه‌ی انتقال، مفهومی است که هانتینگتون برای توصیف مراحل گذار یک جامعه در مسیر توسعه استفاده می‌کند (الوین سو، ۱۳۹۷، ص ۸۷). در نگاهی کلان و

فراگیر، تصویری که هانتینگتون از حیطه انتقال ترسیم می‌کند نقص‌های فراوانی خصوصاً در ساحت مبانی و پیش‌فرض‌ها دارد. درواقع حیطه انتقال از آن‌جهت که ناظر به حرکت تاریخی جوامع است متأثر از فلسفه تاریخ و مبانی حاکم بر آن‌که در رویکردهای مختلف متفاوت است تعریف خاص خود را می‌گیرد و نمی‌توان مفهوم حیطه انتقال هانتینگتونی را در ترسیم مراحل تطورات و تحولات تاریخی و اجتماعی جامعه‌ای با هویت اسلامی در سطحی فراگیر و تمدنی مورد استفاده قرار داد.

از آنجایی‌که هویت انقلاب اسلامی هویتی تمدنی و الهی مبتنی بر حقیقت است، حیطه انتقال آن نیز ماهیتی تمدنی دارد که با توجه به دوره بندی‌هایی که از مراحل صیورورت آن ارائه می‌شود باید با تأکید بر حرکت به‌سوی حقیقت تبیین شود. درواقع پی‌جویی انکشاف حقیقت در بسترساز و کارهای انتقال تمدنی، حیطه انتقال تمدنی انقلاب اسلامی را روشن می‌سازد. تأمل در این‌که در چه شرایطی حقیقت و معانی حقیقی در بستر زندگی اجتماعی مردم بهتر فهم می‌شود و خود را بیشتر ظهور می‌دهد حیطه‌های انتقال تمدنی در تمدن نوین اسلامی را آشکار خواهد ساخت. دوره بندی‌های تمدن اسلامی از نگاه مالک بن نبی شامل این موارد است: روح تمدن، عقل تمدن و گزینه تمدن (عطاآبادی و بیابان نورد، ۱۳۹۷، ص ۱۷۵). با توجه به معرفت‌شناسی اسلامی می‌توان برای تمدن اسلامی به دوره‌های روحی، عقلی و غریزی قائل شد با این توضیح که تمدن نوین اسلامی حاصل اتصال انسان‌ها به معانی حقیقی است و آن معانی در مقاطع تاریخی مختلف از طریق ساحت‌های مختلف شهود، عقل و تجربه انسان‌ها، بازتولید، درک و به اشتراک گذاشته می‌شوند. در مقاطعی از تاریخ بوده است که معانی حقیقی به‌راحتی در زندگی دنیایی و اجتماعی انسان‌ها فهم و شهود می‌شدند چرا که حیطه‌های انتقال تمدنی فراوان بوده‌اند. اما در مقاطعی زندگی انسان‌ها بدون حیطه انتقال تمدنی و تهی از معانی حقیقی بوده است. در دنیای معاصر که جهان سیطره جهان‌بینی مادی است، مقاومت با سازوکارهای مختلف می‌تواند بستر انکشاف حقیقت را فراهم سازد. سازوکارهای انتقال تمدنی را می‌توان شامل این موارد دانست: تحولات فکری بنیادین، پیشرفت‌های علمی، شکاف‌های اجتماعی، فتنه‌های سیاسی، جنگ‌های بین‌المللی و تعاملات میان فرهنگی (بشیر، ۱۴۰۰، ص ۲۰). در این‌گونه شرایط است که حقیقت فرصت ظهور و بروز در زندگی اجتماعی انسان‌ها را پیدا می‌کند.

مقاومت همواره مفهومی سلبی نیست. بلکه ابعاد ایجابی نیز دارد. تحولات فکری، پیشرفت‌های

علمی و تعاملات میان فرهنگی می‌تواند محصول مقاومت در نگاهی ایجابی باشد. همچنان که غلبه بر شکاف‌های اجتماعی، فتنه‌های سیاسی و جنگ‌های بین‌المللی حاصل مقاومت در نگاه سلبی آن است. انکشاف حقیقت از مسیر مقاومت یا در تحولات بنیادین فکری حاصل از مقاومت فکری متفکران جامعه در ساحت روح تمدن، یا در رشد و افزایش علم و آگاهی حاصل از مقاومت علمی جامعه علمی و همچنین افزایش تعاملات میان فرهنگی حاصل از مقاومت فرهنگی مردم در ساحت عقل و یا در سختی و اضطراب‌های ناشی از شکاف‌های اجتماعی، فتنه‌های سیاسی و تقابل‌های نظامی حاصل از مقاومت سیاسی و نظامی مردم و نظامیان جامعه در ساحت غریزه، منکشف می‌شود و زمینه پیشرفت تمدنی را فراهم می‌سازد (نمودار شماره ۵). تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که مقاومت راه پیشرفت تمدنی است. رشد تحولات فکری، علمی و میان فرهنگی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران نشان‌دهنده مقاومت ایجابی در ساحت‌های مختلف جامعه ایرانی است. همچنین ۸ سال مقاومت در دفاع مقدس و گذر از فتنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله در سال ۱۳۸۸ از پیامدهای مقاومت سلبی جمهوری اسلامی ایران است.



نمودار شماره ۱. مقاومت و پیشرفت تمدنی

۳-۴. مقاومت و انسجام

۱-۳-۴. مبدأ و غایت مشترک الهی

پشتوانه هر مقاومتی ایمان فرد یا جامعه مقاوم به یک مبدأ و اصل است؛ همین تعلق به مبدأ

واحد سبب تقویت پیوند میان افراد جامعه و یکرنگی و هم‌جهتی آن‌ها می‌شود. تفاوت مبدأ و اصلی که جامعه اسلامی به آن تمسک می‌جوید با دیگر جوامع این است که مبدأ و اصل ایمان و مقاومت جامعه اسلامی جاودانه است و تمام‌شدنی نیست. در بسیاری از کشورها از جمله در ایران گروه‌هایی در برابر نظام پادشاهی به مبارزه و مقاومت پرداختند، اما مقاومت و مبارزه تعدادی از این افراد و گروه‌ها بر اساس ایمان به شرق یا غرب صورت گرفت و با فروپاشی مبدأ ایمانی آن‌ها، مقاومت و هویت جمعی آن‌ها از هم پاشید و جز نامی از آنان باقی نماند و برخی از آن‌ها حتی نامشان نیز فراموش شد؛ چون «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقی؛ آنچه نزد شماست رفتنی است و آنچه نزد خداست باقی و ماندگار است.» (نحل / ۹۶) از این‌رو جامعه‌ای منسجم و یکپارچه‌تر است که بر مبنای ماندگار و جاوید ایمان به خدا بنا شده باشد و مقاومتی که بر این مبنای ماندگار بنا شده باشد و با اعتقاد به «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره / ۱۵۶) صورت بگیرد، ماندگار و ثمربخش خواهد بود و پیوندهای ایمانی آن جامعه را مستحکم‌تر خواهد ساخت. جامعه ایران نشان داده است که اگر در زمینه‌های قومیت، زبان و سلاقی سیاسی اختلاف‌نظر دارد در مورد مباحث بنیادین عقیدتی و ایمانی وحدت و انسجام دارد. حضور میلیونی مردم در روز ۹ دی سال ۱۳۸۸، حضور در مراسم شهادت سردار قاسم سلیمانی و حضور در راهپیمایی‌های قدس و ۲۲ بهمن در هر سال نشان‌دهنده انسجام جامعه ایرانی حول مؤلفه‌های ایمانی و انقلابی هویت جمعی خود است.

۴-۳-۲. تقویت پیوند جامعه ایمانی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مکرر به این رابطه بین دو مفهوم مقاومت و ایمان و روابط انسانی حاصل این ارتباط توجه داده و تصریح کرده است که مقاومت باید بر مبنای ایمان به خدا صورت پذیرد تا جامعه مستحکم‌تر شود؛ از جمله فرموده است: «مقاومت هم جز در سایه ایمان بالله... ممکن نیست ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند. امروز این شجره طیبه... روزبه‌روز قوی‌تر شده است... و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹ / ۰۵ / ۱۳۷۶).

ملت ایران قوی است و این استقامت، استقامت ایمانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸ / ۰۲ / ۱۳۷۸). این سخن بر اساس این آیه قرآن است که می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ آیا ندیدی که خداوند چگونه کلمه طیبه (لا اله الا الله) را به درخت

پاکیزه‌ای مثل زده که ریشه‌اش در زمین ثابت و استوار و شاخه‌اش در آسمان است.» (ابراهیم / ۲۴) در واقع درخت مقاومت باید در زمین توحید ریشه بدواند تا شاخه‌هایش پرورش یابد و ثمربخش شود و جامعه را هرچه بیشتر منسجم‌تر و مستحکم‌تر سازد؛ «ملت ایران به‌مثابه نهالی بود که در روز نخست نحیف بود، اما هرچه به توحید نزدیک‌تر شد روزبه‌روز قوی‌تر و تنومندتر گردید. آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۹/۰۵).

۴-۳-۲. افزایش ارتباطات درون‌گفتمانی

وجود دشمن مشترک همواره یکی از علل تشکیل یک هویت و گروه و جبهه واحد در طول تاریخ بوده است. در دوران کنونی نیز که دنیا به دودسته کشورهای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده‌اند، معدود کشورهایی که راه نفی سلطه را انتخاب کرده‌اند می‌توانند بر اساس وجود دشمن مشترک که همان نظام سلطه است راهبرد مشترک مقاومت را اتخاذ کنند. این امر سبب افزایش ارتباطات همه‌جانبه درون‌گفتمانی میان کشورهای مستقل می‌شود. این ارتباطات در ابعاد مختلف می‌تواند سبب همکاری و هم‌افزایی میان کشورها شود. به‌عنوان مثال «جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر جهت بهبود وضعیت اجتماعی شیعیان لبنان اقدام به گسترش مراکز خدماتی خود همانند افتتاح مدرسه، درمانگاه، بیمارستان و تعاونی‌های مصرف در این کشور نموده است. ایران از طریق حزب‌الله لبنان مؤسساتی از قبیل بنیاد شهید، جهاد سازندگی، سازمان اسلامی بهداشت، کمیته امداد، بنیاد جانبازان و غیره تأسیس کرده که مشابه مؤسسات ایرانی بوده و توسط خود لبنانی‌ها اداره می‌شود» (بیکی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۵). این ارتباطات همه‌جانبه حاصل شکل‌گیری یک هویت واحد و افزایش ارتباطات درون‌گفتمانی است. تشکیل یک هویت و گفتمان واحد و افزایش ارتباطات در سایه این گفتمان از نتایج اتخاذ راهبرد مقاومت خواهد بود. این ارتباطات درون‌گفتمانی بین کشورهای مختلف به‌نوعی امتداد جهانی و بین‌المللی افزایش و تقویت ارتباطات درون‌جامعه‌ایمانی در کشور ایران است و از آن الهام می‌گیرد.

۴-۴. مقاومت و معنا

مقاومت معنایی است که خود را در اشکال مختلف کنش اجتماعی ظهور می‌دهد و به‌واسطه

مجموعه‌ای از نشانه‌ها، معانی والای حقیقی را تثبیت می‌کند. کنش در حقیقت یک تجلی عینی است که در دل نظامی نشانه‌ای امکان یافته است. نظامات نشانه‌ای دستگاه‌هایی اجتماعی هستند که به‌موجب قراردادهایی جمعی شکل‌گرفته‌اند و حقایقی را ظهور و بروز می‌دهند. کنش‌های حول مفهوم مقاومت هرکدام مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که معانی حقیقی پیرامون معنای محوری مقاومت را تثبیت و معانی مخالف و انحرافی را طرد می‌کنند.

سوسور به‌عنوان پایه‌گذار علم نشانه‌شناسی، ابزارهای مفهومی بسیار کارایی را در اختیار متفکران نشانه‌شناسی قرار می‌دهد که می‌تواند در تمام حوزه‌های مطالعاتی نشانه‌ها مورداستفاده قرار گیرد. قراردادی بودن نشانه‌ها، نظام دالی و مدلولی موجود در نشانه‌ها و محورهای تحلیلی جانشینی و هم‌نشینی، در کنار ایجاد امکان تحلیل‌های هم‌زمان، بخشی از امکاناتی هستند که سوسور برای تحلیل‌های نشانه‌شناسی فراهم می‌کند (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). این که مقاومت در یک جامعه به چه مدلول یا مدلول‌هایی دلالت دارد و با چه معانی دیگری قابلیت هم‌نشینی یا جانشینی دارد ابزارهای مفهومی متنوعی را برای تحلیل کنش‌های حول مفهوم مقاومت در یک چارچوب نظری فراهم می‌آورد.

مفهوم مقاومت در جامعه ایران معاصر با مفهوم شهادت هم‌نشین شده است. توجه به معنای شهادت ابزارهای مفهومی فراوانی جهت تحلیل مقاومت و جامعه مقاومت محور فراهم می‌کند. اگر شهادت در معنای حقیقی خود اشاره به مقام شهود حقیقت تامه داشته باشد - که «همان مقام عصمت و استقرار بر فطرت توحیدی و نبودن حجاب میان انسان و فطرت و خلاصه دوام توجه به حق است» (سعادت پرور، ۱۳۹۵، ص ۱۶) شهودی که مراتبی دارد و هر چه در سیر عوالم ملکوتی به عالم احدیت نزدیک‌تر می‌شود جلوه عظیم‌تری از حقیقت را منکشف می‌سازد، آنگاه معنای حقیقی مقاومت بهتر فهم می‌شود و صورت‌بندی ما از جامعه مقاومت محور متفاوت می‌شود. از طرفی شهادت همواره در متن جامعه با جهاد در راه حق پیوند خورده است و شهیدان ناراضی‌ترین افراد علیه وضع موجود بوده‌اند که به‌صورت عملی و تلاش عینی جهت تحقق هدف خود جنگیده‌اند. مقاومت نیز هرچند در تحلیل اولیه بیشتر امری ناظر به ایستایی و ایستادگی و پافشاری بر اصول است اما در عینیت خود وقتی در کنار مفاهیمی چون شهادت قرار می‌گیرد کاملاً به ابزاری جهت انتقاد و مبارزه و جهاد تبدیل می‌شود. از منظر قران کریم نیز، اساسی‌ترین راهبرد در

راستای تحقق عملیاتی نظریه مقاومت در برابر دشمنان اسلام، راهبرد «جهاد کبیر» (فرقان / ۵۲) است که تجربیات دهه‌های اخیر در انقلاب اسلامی ایران اجرایی بودن و نتیجه‌بخش بودن آن را به اثبات رسانده است و معنابخشی قابل توجهی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی جامعه ایرانی داشته است.

از دیگر مفاهیم همنشین مقاومت، مفهوم «بصیرت» است. با توجه به گستردگی ابعاد مختلف زندگی امروز که جهاد اقتضائات و الزامات خاصی پیدا کرده است و دشمنی‌ها و رقابت‌ها و نیز توازن قدرت‌های جهانی، در اشکال و قالب‌های جدیدی نمایان شده است، زمینه‌هایی که لازم است اهل مقاومت بصیرت خود را توسعه دهند نیز متفاوت شده است. مؤلفه‌های نفوذ، نفاق، نابسامانی داخلی، استبداد، استکبار، تهدیدات، نحله‌های فکری، تهاجم نظامی دشمن، تنش‌های منطقه‌ای، منازعات فرقه‌ای، تضعیف ساخت درونی، مناسبات بین‌المللی، استعمار و اباحه‌گری از موانع و چالش‌های مسیر پیش روی محور مقاومت است که نشان‌دهنده گستردگی حوزه‌های بصیرت‌افزایی نیز می‌باشد.

قابلیت به‌کارگیری عناصر نشانه‌شناختی در حوزه‌های مطالعاتی گسترده‌تر، سبب شده است که نشانه‌شناسی از حوزه‌ی محدود مطالعات زبان‌شناسی فراتر رود و به حوزه‌هایی گسترده‌تر دست یابد، که نمونه‌ی بارز آن را در آثار «رولان بارت» (۱۹۱۵-۱۹۸۰) می‌توان مشاهده کرد. آثار بارت حوزه‌های متفاوتی را شامل می‌شود اما یکی از مفاهیم تأثیرگذار بارت، مفهوم «اسطوره» است. اسطوره‌شناسی، به‌مثابه روشی که بارت در تحلیل‌های خود مورداستفاده قرار داد، آن‌چنان نافذ بود که پس از او نیز، برای تحلیل دیگر پژوهشگران، مورداستفاده قرار گرفت. از نظر بارت، اسطوره نوعی گفتار است و پیامی را منتقل می‌کند و همه‌چیز در زندگی ما می‌تواند به یک اسطوره تبدیل شود تا پیامی را منتقل سازد. به اعتقاد او، در زمان ما اسطوره نوعی پیام مخدوش و دستکاری‌شده نیز هست. بارت وقتی از اسطوره سخن می‌گوید، تمامی این معانی را مدنظر دارد. درواقع بارت اسطوره را پیامی می‌داند که معنایی برای عامه دارد، او می‌خواهد این معنا را واژگون کند. به عقیده‌ی بارت، اسطوره برای آن وجود داشت که واقعیت‌های زندگی روزمره را عادی و طبیعی و بدیهی جلوه دهد (اباذری، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵).

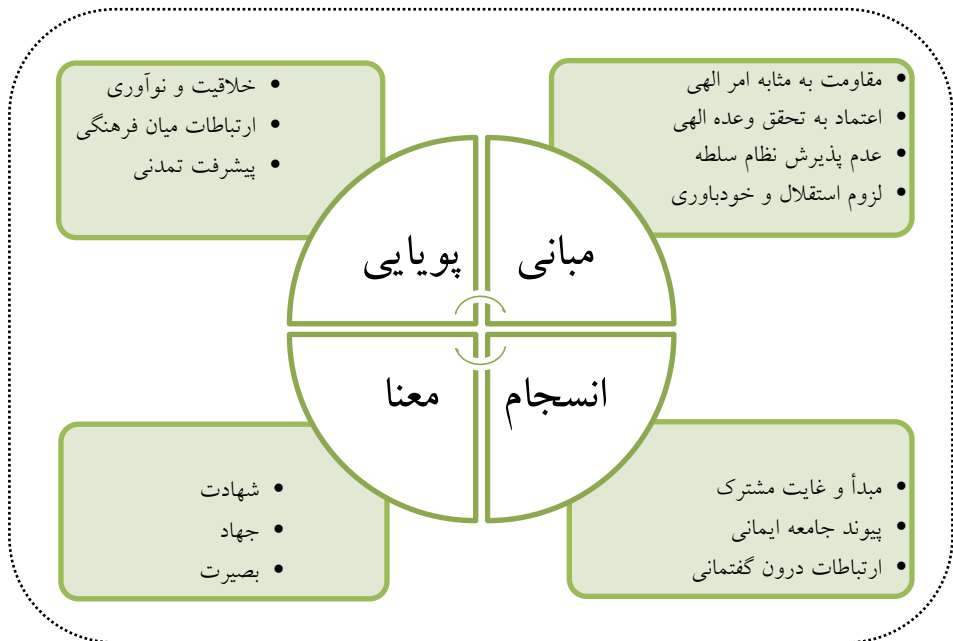
این نوشتار قصد ندارد مفهوم مقاومت یا الگوهای مقاومت را به‌مثابه یک اسطوره که در تاریخ

زندگی مسلمانان وجود داشته است تحلیل کند بلکه می‌خواهد برعکس، مقاومت را یکی از مفاهیم کارا در اسطوره‌زدایی - در معنای پارتی آن - معرفی کند. در واقع دال مقاومت، چون معنای ایستادگی و پافشاری بر اصول در بطن دلالت آن نهفته است ضد بدهت و روندهای طبیعی زندگی روزمره است. در واقع از آنجاکه ریشه تمام عادت‌ها و امور بدیهی اجتماعی و عرفی، مأنوس شدن با خواسته‌های روزمره خود است، اگر دالی در یک بستر اجتماعی شکل بگیرد که ضدیت با خواسته‌های شخصی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های لازم جهت دلالت معنایی در بطن آن نهفته باشد می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مفهومی علیه اسطوره‌های انحرافی استفاده مورد قرار گیرد. با توجه به دایره‌ی معنایی مقاومت، این مفهوم برخلاف آنچه که ناشی از القائات رسانه‌ای دشمنان در ذهنیت برخی از افراد تثبیت شده است، ضد جامعه و زندگی و پیشرفت نیست بلکه برعکس ضد اسطوره‌هایی است که با طبیعی جلوه دادن انحرافات اجتماعی روند جامعه را از پیشرفت و اهداف واقعی خود دور می‌کند. تجربه جمهوری اسلامی ایران نیز این امر را اثبات می‌کند. مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران با اشاعه معانی واقعی سبب هویت بخشی به مردم منطقه غرب آسیا بوده و عامل اصلی تقویت روحیه مبارزه‌طلبی و استکبارستیزی آن‌ها به شمار می‌آید. «هویت در شکل‌گیری و استحکام و قدرت یافتن گفتمان مقاومت و مجموعه امنیتی محور مقاومت از نقش برجسته‌ای برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و ارزش و هنجارهای ناشی از آن است» (عباسی و محمودزاده، ۱۴۰۱، ص ۱۱۶). توجه به معانی ضمنی مقاومت از معانی القائی رسانه‌های غربی ناظر به مفهوم مقاومت، اسطوره‌زدایی می‌کند. مقاومت، دشمن دلالت‌های ضمنی انحرافی است. این شناخت از مقاومت نوعی معنا کاوی و نشانه‌شناسی فرهنگی تمدنی مقاومت محسوب می‌شود. چرا که با توجه به تأملات مربوط به نشانه‌شناسی از نظر بارت، این مباحث، ابزار مفهومی خوبی است که می‌توان از آن برای تحلیل پدیده‌های تاریخی و فرهنگی بهره گرفت.

نتیجه‌گیری

اسلام به‌مثابه یک مکتب اجتماعی دارای ظرفیت تمدنی است و پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی بشر در تمام سطوح است. از این‌رو مقاومتی که بر اساس مبانی اسلامی شکل می‌گیرد نیز دارای مختصات تمدنی است. این امر در بستر جهانی‌شدن و سلطه غرب بر ابعاد مختلف زندگی بشر در

جهان معاصر، توجه به بعد اجتماعی اسلام و زمینه‌سازی برای تحقق موضوعات تمدنی اسلام را ضروری می‌سازد. در این راستا کلیدواژه پرتکرار مقاومت که در مقابل سلطه‌پذیری معنا و مفهوم می‌یابد، یکی از مفاهیم کلیدی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته از کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی بارها در بیانات خود مورد تأکید قرار داده است. از مهم‌ترین راهبردهای تعمیق و تثبیت گفتمان مقاومت در میان کشورهای سلطه‌ستیز، ترویج این نظریه است که می‌تواند سبب جریان‌سازی مقاومت در برابر نظام سلطه نه‌تنها در کشور ایران، بلکه در قلمرو حضور همه ملت‌های آزاده جهان باشد. تجربیات موفق جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر در مقابله با سلطه استکبار جهانی و نیز موفقیت جبهه مقاومت در مبارزه با داعش و همچنین نقش‌آفرینی مردمی گسترده در جبهه‌های مقاومت از جمله حضور میلیونی مردم ایران و دیگر ملت‌ها در تشییع پیکر حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان سردار مقاومت، به‌روشنی بیانگر این نکته اساسی است که مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران قرار است نقش مهمی در تمدن‌سازی نوین اسلامی ایفا نماید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مبانی، معنا، انسجام و پویایی از مهم‌ترین ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آید.



شکل ۲. ابعاد تمدنی مقاومت جمهوری اسلامی ایران

مقاومت به مثابه امر الهی، اعتماد به تحقق وعده الهی، عدم پذیرش نظام سلطه و لزوم استقلال و خودباوری از مهم‌ترین مبانی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران است. خلاقیت و نوآوری، پیشرفت تمدنی و ارتباطات میان فرهنگی مؤلفه‌هایی هستند که پویایی تمدنی مقاومت اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. پایبندی به مبدأ و غایت مشترک الهی، تقویت پیوند جامعه ایمانی و افزایش ارتباطات درون‌گفتمانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسجام بخش مقاومت اسلامی ایران است. اشاعه معنا در بافت اجتماعی زندگی مردم ایران از طریق ارتباطات معنایی با مفاهیمی چون شهادت، ایثار و جهاد، بعد معنابخشی مقاومت اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند.

منابع

- اباذری، یوسف، شریعتی، سارا، فرجی، مهدی (۱۳۹۰)، فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟؛ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ - تمدن، تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۹-۱.
- اباذری، یوسف (۱۳۸۰)، رولان بارت و اسطوره و مطالعات فرهنگی، ارغنون، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۳۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹)، مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- امامی، سیدمجید، غیاثی، هادی (۱۳۹۶)، همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تأکید بر پیاده‌روی زیارت اربعین، دین و سیاست فرهنگی، شماره ۹، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- بشیر، حسن، غیاثی، هادی (۱۴۰۰)، چالش‌های تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی ایران، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۵، صص ۱-۲۸.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: روزنه.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۳)، المفردات فی غریب القرآن، قم: نشر الکتاب.
- زاهدی تیر، اصغر، ناجی، محمدامین (۱۳۹۸)، بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن، مطالعات تفسیری، شماره ۳۸، صص ۲۳۶-۲۲۰.

- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲)، *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: نشر قصه.
- سعادت پرور، علی (۱۳۸۸)، *فروغ شهادت*، تهران: احیا کتاب.
- صالح اصفهانی، اصغر، نظامی پور قدیر، کاظمی قمی، حسن، فرجی، ایرج (۱۳۹۹)، *الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای، مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۸۲، صص ۸۱-۹۸.
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸)، *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای* (مدظله‌العالی)، تهران: انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- عباسی، مجید، محمودزاده، فاطمه (۱۴۰۱)، *تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا، مطالعات دفاع مقدس*، شماره ۳۰، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- فرجی، غلامحسین، حاتمی، محمدرضا، محمودی، مرتضی (۱۳۹۹)، *راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۳۵، صص ۳۰۸-۲۸۵.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، *نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سیل و برخورد با سلطه، سیاست دفاعی*، ش ۸۲.
- فروید، زیگموند (۱۳۸۲)، *ناخوشایندی فرهنگ*، مترجم: مهرگان، امید، تهران: گام نو.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۴)، *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات مخاطب.
- قاسمی، بهزاد (۱۴۰۱)، *شناسایی شاخص‌های مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، شماره ۱۰، صص ۳۱۷-۳۳۲.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، *نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت، پژوهش ملل*، شماره ۲۰، صص ۱-۱۴.
- لک زایی، رضا (۱۳۹۹)، *گفتمان مقاومت در عرصه بین‌الملل در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم، پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی*، شماره ۱۳، صص ۱۵۰-۱۲۹.

- مارکس، کارل هاینریش، انگلس، فریدریش (۱۳۸۸)، *مانیفست کمونیست*، مترجم: صابری، مسعود، تهران: طلایه پرسو.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۸۲)، گرایش نهفته در روانکاوی، در: فروید، زیگموند، *ناخوشایندی فرهنگ*، مترجم: مهرگان، امید، تهران: گام نو.
- مبینی، محمد، قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸)، دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سید حسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت، *آفاق امنیت*، شماره ۴۴، صص ۳۳-۵.
- مجیدی، حسن، بهارلو، میثم، کیمیایی دوین، ابراهیم (۱۳۹۷)، الگوی «مقاومت اسلامی» مبتنی بر انسان‌شناسی علامه طباطبایی و شهید مطهری، *مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۹، صص ۱۷۸-۱۵۵.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: زرین.
- مهدیان، علی (۱۳۹۹)، *طرح کلی اندیشه مقاومت*، تهران: سفیر صادق.
- مهدی پور، آسیه (۱۳۹۸)، تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، *دانش سیاسی*، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۵۶۶-۵۳۹.
- میرمحمدی، سیدضیاءالدین، بارانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان، *تاریخ اسلام*، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۴۶-۷.
- هاتفی، محمدعلی، رضوی، سیدعبداله (۱۴۰۱)، ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه در دولت اسلامی با تأکید بر الگوی تراز ارزشی در فرهنگ دفاع مقدس، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، شماره ۱۰، ۳۱۶-۲۸۷.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، مترجم: منوچهری، عباس و دیگران، تهران: سمت.
- Elias, N (2000), *The Civilizing Process. Sociogenetic and Psychogenetic Investigations*, @Oxford: Blackwell
- Mohns, Erik; Andre Bank (2012), "Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis?", Middle East Policy Council, -N.3, -<http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/syrian-revolt-fallout-end-resistance-axis>.
- Willfried Spohn (2011), World history, civilizational analysis and historical sociology: Interpretations of non-Western civilizations in the work of Johann Arnason. *European Journal of Social Theory* 14(1) 23-39

References

- Abazari, Youssef, Shariati, Sara, Faraji, Mehdi (2012), Para-narrative of civilization or the process of civilizations?; A reading from the problematic of culture-civilization, *cultural research*, fourth volume, number 2, pp. 1-19. [In Persian]
- Abazari, Youssef (2008), Roland Barthes and Mythology and Cultural Studies, *Organon*, No. 18, pp. 137-157. [In Persian]
- Eftekhari, Asghar (2019), *Resistance in Islam; Theory and Pattern*, Tehran: Institute of Andishsazan Noor Studies. [In Persian]
- Emami, Sidmjid, Ghiyashi, Hadi (2016), Civilization Convergence Through Pilgrimage; With an emphasis on Arbaeen pilgrimage, *Religion and Cultural Policy*, No. 9, pp. 127-148. [In Persian]
- Bashir, Hassan, Ghiathi, Hadi (2021), Civilizational Challenges Facing Iran's Islamic Revolution, *Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, No. 5, pp. 1-28. [In Persian]
- Biki, Mehdi (2009), *Soft power of the Islamic Republic of Iran (a case study of Lebanon)*, Tehran: Imam Sadiq University (AS), Imam Hossein University (AS), Faculty and Research Institute of the Great Prophet (PBUH). [In Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar (1999), *Dehkhoda dictionary*, Tehran: Rozhan. [In Persian]
- Ragheb Esfahani (1413AH), *Al-Mufardat fi Gharib Al-Qur'an*, Qom: Al-Katab Publishing House. [In Persian]
- Zahedi Tir, Asghar, Naji, Mohammad Amin (2018), Examining the concept of resistance with a social approach in the Qur'an verses, *Tafsir Studies*, No. 38, pp. 220-236. [In Persian]
- Sojoodi, Farzan (2012), *Applied Semiotics*, Tehran: Qaseh Publishing House. [In Persian]
- Saadat Parvar, Ali (2010), *Forough Shahadat*, Tehran: Ihya Kitab. [In Persian]
- Saleh Esfahani, Asghar, Nizamipour Qadeer, Kazemi Qomi, Hassan, Faraji, Iraj (2019), The model of resistance front from Imam Khamenei's point of view, *Strategic Defense Studies*, No. 82, pp. 81-98. [In Persian]

- Salh Mirzaei, Saeed (2018), *Thought of resistance from the perspective of Grand Ayatollah Khamenei (Madazla Al-Aali)*, Tehran: Islamic Revolution. [In Persian]
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2006), *Tafsir al-Mizan*, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom: Islamic Publications of Qom Seminary Jamia Madrasin, fifth edition. [In Persian]
- Abbasi, Majid, Mahmoudzadeh, Fatemeh (2022), an analysis of Iran's ideological support of the axis of Islamic resistance in West Asia, *Holy Defense Studies*, No. 30, pp. 115-134. [In Persian]
- Faraji, Gholamhasan; Hatami, Mohammadreza; Mahmoudi, Morteza (2019), Strategy of cultural, political and economic resistance in the thought and practice of Ayatollah Khamenei, *Islamic World Political Research*, No. 35, pp. 285-308. [In Persian]
- Qadri Kangavari, Ruhollah (2012), Theory of Resistance in International Relations; The Iranian-Islamic approach of negation of mustache and dealing with domination, *Defense Policy*, No. 82. [In Persian]
- Freud, Sigmund (2004), *the unpleasantness of culture*, translator: Mehrgan, Omid, Tehran: Gam Nou. [In Persian]
- Qadri Kangavari, Ruhollah (2014), *Theories of Resistance and Western Theories of International Relations*, Tehran: The Audience Publications. [In Persian]
- Ghasemi, Behzad (2022), Identifying Islamic Resistance Indicators and Its Impact on Modern Islamic Civilization, *Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, No. 10, pp. 317-332. [In Persian]
- Karimi, Abolfazl (2016), The role of the Islamic Republic of Iran in giving identity to the resistance-oriented security complex, *Research of Nations*, No. 20, pp. 1-14. [In Persian]
- Lakzaei, Reza (2019), The discourse of resistance in the international arena in the thought of Ayatollah Khamenei with an emphasis on the statement of the second step, *Research Journal of Islamic Humanities*, No. 13, pp. 129-150. [In Persian]
- Marx, Karl Heinrich, Engels, Friedrich (2010), *Communist Manifesto*, translator: Sabri, Masoud, Tehran: Talaye Perso. [In Persian]

- Marcuse, Herbert (2008), *Latent Tendency in Psychoanalysis*, in: Freud, Sigmund, *Unpleasantness of Culture*, Translator: Mehrgan, Omid, Tehran: Gam Nu. [In Persian]
- Mobini, Mohammad, Ghasemi, Behzad (2018), The achievements of the Lebanese Islamic resistance in the intellectual system of Seyyed Hassan Nasrallah and its effect on the security axis of the resistance, *Afaq Security*, No. 44, pp. 5-33. [In Persian]
- Majidi, Hassan, Baharlo, Maitham, Kimiaei Devin, Ibrahim (2017), the model of "Islamic resistance" based on the anthropology of Allameh Tabatabai and Shahid Motahari, *Soft Power Studies*, No. 19, pp. 155-178. [In Persian]
- Moin, Mohammad (2008), *Farhang Moin*, Tehran: Zarin. [In Persian]
- Mehdian, Ali (2019), *Outline of Resistance Thought*, Tehran: Safir Sadegh. [In Persian]
- Mahdipour, Asiah (2018), Explanation of the conceptual model of resistance in the thought of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei, *Political Science*, 15th year, 2nd issue, pp. 539-566. [In Persian]
- Mirmohammadi, Seyyedziaddin, Barani, Mohammad Reza (2013), an introduction to the essence of Islamic civilization from the point of view of Orientalists, *History of Islam*, Volume 13, No. 2, pp. 7-46. [In Persian]
- Hatfi, Mohammad Ali, Razavi, Seyyed Abdallah (2022), The values governing development programs in the Islamic state with an emphasis on the model of value balance in the culture of sacred defense, *Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, No. 10, 316-287. [In Persian]
- Weber, Max (2006), *Economy and Society*, translator: Manochehri, Abbas and others, Tehran: Samt. [In Persian]